

## اعدام زندانیان سیاسی در آستانه نبرد ۲۲ بهمن!

اکبر تک دهقان

اعدام زندانیان سیاسی در شرایط وضعیت انقلابی، به ارباب مردم منجر نمیشود، بلکه هر اعتراض بزرگ آتی را، از پتانسیل نبرد رویارو و قیام مسلحانه برخوردار میسازد.

مأموران حکومت اسلامی در روز ۸ بهمن- ۲۸ ژانویه، دو نفر از زندانیان سیاسی، محمدرضا علی زمانی و آرش رحمان پور را در زندان اوین به دار آویختند. پیش از این هم زندانیان سیاسی خدایار رحمت زهی شهنازی در روز ۳ بهمن- ۲۳ ژانویه در زاهدان و فصیح یاسمنی در روز ۱۶ دی- ۶ ژانویه در شهر خوی، طعمه وحشیگری دژخیمان حکومت اسلامی گشته بودند. به این ترتیب سرنوشت سیاسی روزهای منتهی به روز ۲۲ بهمن و پس از آن، بتدریج رقم میخورند.

رژیم اسلامی با ارتکاب این جنایات، در وحله اول، هدف مشخص خود را جلوگیری از تعرض مردم به اساس این دستگاه بربرمنشی در روز ۲۲ بهمن، قرار داده است. حکومت اسلامی، منطقی برای ادامه سلطه گری خود، جز زندان و اعدام نمیشناسد. از این رو، اولین عکس العمل و واکنش طبیعی آن به احساس خطر جدی ناشی از قدرت گرفتن یک جنبش توده ای، توسل به اعدام زندانیان سیاسی است. سران جنایتکار این رژیم در همانحال اما، دست به تست کردن جامعه زده، امکانات سیاسی تبدیل اعدام زندانیان سیاسی نظیر دهه ۶۰ را به سیاست روز خود، آزمایش میکنند.

مبارزات مردم از مقطع خرداد ۱۳۸۸- که با اینهمه تغییرات سیاسی در جامعه، هنوز عمر آن به ۸ ماه نرسیده است- روز به روز ارتقاء یافته، اقشار وسیع تری را به درون تحولات سیاسی کشانده است. در صورتی که در تمام مدت مزبور، دستگاه سرکوب رژیم اسلامی، هر آنچه که در ارتکاب جنایت در خیابانها و زندانها از دستش ساخته بوده، بکار گرفته است. برای سلطه گران حاکم همچنین روشن شده است که از طریق امید بستن به سازش با اصلاح طلبان، تحمیل یک شکست به مبارزات مردم ممکن نیست؛ از آنجا که اصلاح طلبان، بهیچوجه قدرت تعیین کننده در درون جنبش انقلابی کنونی نبوده، خود در بهترین حالت، به دنبال آن روان شده اند.

روی آوری رژیم اسلامی به اعدام زندانیان سیاسی در تهران، نقطه پایانی بر همه تلاشهای ارتجاعی اصلاح طلبان در داخل و خارج، برای سربریدن مبارزات توده ای گذارد. طی تبلیغات گسترده هفته های پس از صدور بیانیه شماره ۱۷ میرحسین موسوی، از سوی داریودسته " اکثریتی ها " و لیبرالها در خارج، گویا شرایط در کشور برای تحقق یک راه حل " مسالمت آمیز " فراهم شده است. در حالیکه نویسنده بیانیه، خود در محتوای اصلی، چیزی بیش از تکرار مطالب همیشگی نگفته، و جمله ای هم به آن اضافه نکرد. علیرغم آن اما، همه ارگانهای وابسته به اکثریتی ها، لیبرالها و سلطنت طلبان، بانگ " پایان تاریخ " سر داده، زمینه را برای طرح شعارهای سازش با جناح خامنه ای آماده دیدند. قتل سه زندانی سیاسی در روزهای ۳ بهمن و ۸ بهمن در زاهدان و تهران، به همگان نشان داد: حکومت اسلامی به منافع و موقعیت خود کاملاً آگاه بوده، عقل خود را به دست سرسپرده گان دائمی اما رسوا و بی تأثیر خود نسپرده، مقامات سیاسی و واردات کالا از طریق درآمد نفت را، با اصلاح طلبان " تدارکاتی " و نوکر صف و بزدل، تقسیم خواهد کرد.

رژیم اسلامی خود را آماده میکند، تا از عصر روز ۲۲ بهمن ۱۳۸۸، اعدام زندانیان سیاسی را نظیر روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، آغاز کند. نسل جوان پیشرو، فقط با سیاست حداکثر تعرض قادر است، از نابودی ثمرات ۸ ماه مبارزه مرگ و زندگی خود جلوگیری کند. انقلاب رادیکال- دموکراتیک جاری، دارای پتانسیل فوق العاده قدرتمندی برای سرنوشت رژیم اسلامی، و ظرفیت تحمل شکست آن

نزدیک به غیرممکن است. اما آزاد شدن کامل این پتانسیل عظیم، به کار و تلاش پیشروانی وابسته است، که در این شرایط دشوار، تنها گذاشتن مردم و راه گریختن از کشور را- نظیر صدها مدعی هنر و روشنفکری در ماههای گذشته - انتخاب نمیکنند؛ بلکه ماندن در عرصه مبارزه عملی، کمک به مردم، شرکت در سازماندهی، ایجاد ارتباطات و با همه توان تعرض کردن را در پیش میگیرند.

اگر مبارزان و پیشروان در چنین شرایطی جامعه را تنها بگذارند، در اینصورت نتیجه عملکرد آنها، جز به افزایش تهاجم افسار گسیخته رژیم، و شدت یابی سیاست برده سازی علنی منجر نمیشود. این در وضعیت کنونی جامعه ایران اما، نه به ایجاد یک آرامش گورستانی و تداوم حیات حکومت اسلامی، بلکه به رواج شورشهای پراکنده، وقوع تعرضات از سر یأس و استیصال، سر بلند کردن باندهای جنایت و راهزنی از همه طرف، تشدید گسیختگی ملی و کشاندن وضعیت داخلی و بین المللی کشور به اوضاعی خواهد شد، که دیگر مردم ایران، نقشی در تعیین سرنوشت خود نخواهند داشت.

**سرنگون باد حکومت اسلامی!**  
**زنده باد آزادی و عدالت!**

---

۱۲ بهمن ۱۳۸۸ - ۱ فوریه ۲۰۱۰